

۲

پنجشنبه ۲۰ بهمن ۱۴۰۴
وطن‌امروز | شماره ۴۵۴۰

سیاسی

اخبار

امیر دریادار ایرانی:

حضور ناوگان فرامنطقه‌ای در غرب آسیا غیرموجه است

فرمانده نیروی دریایی راهبردی ارتش با تأکید بر اینکه حضور ناوگان فرامنطقه‌ای در غرب آسیا غیرموجه است، گفت: ناوگان فرامنطقه‌ای اگر احساس می‌کند با قدرت آمده است، بداند مردم ایران با قدرت بیشتری با آنها مقابله خواهند کرد.

امیر دریادار «شهرام ایرانی» که به‌منظور شرکت در ۳ رویداد نشست سران آپونز (IONS)، رزمایش دریایی میلان ۲۰۲۶ و برنامه بازدید ناوگان بین‌المللی IFR به هند سفر کرده است، در جمع خبرنگاران گفت: جمهوری اسلامی ایران ۴۷ سال است با تهدید، سروصدا و تبلیغات و حضور ناوگان فرامنطقه‌ای در غرب آسیا مواجه است.

وی با تأکید بر اینکه حضور ناوگان فرامنطقه‌ای در غرب آسیا غیرموجه است، افزود: ناوگان فرامنطقه‌ای اگر احساس می‌کند با قدرت آمده است، بداند مردم ایران با قدرت بیشتری با آنها مقابله خواهند کرد.

فرمانده نیروی دریایی ارتش تأکید کرد: ایمان مردم و موشک، سلاح‌های بازدارنده جمهوری اسلامی ایران در برابر دشمن است.

روسیه:

پیش‌بینی نتایج مذاکرات ایران و آمریکا اشتباه است

سخنگوی کاخ کرملین بیان کرد پیش‌بینی نتایج مذاکرات ایران و آمریکا اشتباه است.

دیمیتری پسکف درباره مذاکرات روز سه‌شنبه ایران و آمریکا گفت: موضوع مذاکرات بین ایران و ایالات متحده، حل‌وفصل مساله هسته‌ای ایران است و پیش‌بینی نتایج مذاکرات اشتباه است.

وی افزود: روسیه پیش از این نیز آمادگی خود را برای دریافت مازاد اورانیوم غنی‌شده از ایران اعلام کرده است. روز سه‌شنبه دور دوم مذاکرات هسته‌ای ایران و آمریکا با میانه‌جی‌گری وزیر خارجه عمان در ژنو سوئیس برگزار شد.

سیدعباس عراقچی، وزیر خارجه کشورمان بعد از این دور از مذاکرات اظهار کرد: در این دور نسبت به دور گذشته بحث‌های کاملاً جدی مطرح شد و فضای سازنده‌تری وجود داشت، ایده‌های مختلفی مطرح شد و این ایده‌ها به‌صورت جدی مورد بحث قرار گرفت و نهایتاً م بر یک‌سری اصول راهنما توانستیم یک موافقت کلی پیدا کنیم که از این به بعد براساس آن اصول حرکت خواهیم کرد و وارد متن یک توافق احتمالی خواهیم شد.

وی افزود: این بدان معنا نیست که به سرعت می‌توانیم به توافق برسیم ولی حداقل مسیر شروع شده است، امیدواریم هر چه زودتر این کار انجام شود و آمادگی داریم برای آن وقت کافی بگذاریم ولی وقتی به تدوین متن می‌رسد، کار یک مقدار مشکل‌تر و ریزتر می‌شود.

روسیه:

سردار خادمی: حداقل ۱۰ ماه‌ش خارج‌جی در اغتشاشات دی‌ماه نقش داشتند

رئیس سازمان اطلاعات سپاه گفت: حداقل ۱۰ سرویس اطلاعاتی به طور مستقیم در وقایع اخیر نقش داشتند

سردار مجید خادمی در گفت‌وگو با رسانه KHAMENEIR به تشریح ابعاد تازه‌ای از تحولات اخیر امنیتی کشور، روند مقابله با تهدیدات داخلی و خارجی و اقدامات این سازمان در حوزه جنگ ترکیبی و جنگ روایت‌ها پرداخت.

وی بیان کرد: در این آشوب، سرویس‌های اطلاعاتی، نقش‌یاز و البته مؤثرتر از همه داشتند. طراحی، توزیع نقش، شبکه‌سازی، آموزش، پشتیبانی اطلاعاتی و حتی هدایت میدانی آشوبگران عمدتاً از طریق فضای مجازی بر عهده اینها بود.

همان طوری که در بیانیه سوم سازمان اطلاعات سپاه اشاره شد، حداقل ۱۰ سرویس اطلاعاتی به طور مستقیم در این آشوب نقش داشتند که در این میان نقش واحد ۸۲۰۰ سرویس اطلاعات نظامی ارتش رژیم از طریق به کارگیری تعداد محدودی کاربر حقیقی و میلیون‌ها ربات در بستر فضای مجازی قابل توجه است.

سردار خادمی گفت: در این رابطه یکی از مقامات امنیتی رژیم صهیونیستی، صراحتاً به بخش‌هایی از برنامه‌های عملیاتی برای پشتیبانی اطلاعاتی و میدانی از آشوبگران در مسلح کردن برای انجام تروهای هدفمند اشاره کرده و می‌گوید: «ما باید به مردم ایران کمک کنیم به‌آنها اطلاعات بدهیم؛ بگوئیم بسیج کجاست، فرماندهان کجایم؛ بگوئیم، خولانده‌های آنها کجا هستند؛ ما باید حتی به مردم اسلحه بدهیم».

فارغ از تغییر مدل شبکه‌سازی سرویس‌ها و عبور از روش‌های سنتی به شکل مدرن آن در استفاده از ظرفیت شبکه‌های اجتماعی که سرویس اطلاعاتی را در لایسه‌ای از امنیت فیزیکی قرار می‌دهد، طبیعتاً منتسبان به سرویس‌ها با کسب آموزش‌های ویژه، کمتر به دام نیروهای امنیتی دچار می‌شوند اما در عین حال، همان‌طوری که پیش‌تر اشاره کردم، قبل از شروع بحران، روند برخورد با مرتبطان با سرویس‌های امنیتی دشمن شروع شد و تا زمان بروز آشوب هم ادامه داشت که به برخی از آنها اشاره می‌کنم: شناسایی، دستگیری یا به کارگیری حدود ۴۶ نفر از افراد وابسته به سرویس‌های جاسوسی دشمن، برخورد با شبکه برانداز مرتبط با خانواده‌های کشته‌شدگان اغتشاشات گذشته در ۹ استان، کشف حجم قابل توجهی از تجهیزات فنی و ارتباطی و سلاح‌های سرد و گرم که بزودی جزئیات آن به اطلاع مردم عزیزمان خواهد رسید، دستگیری تعدادی از آشوبگران که از طریق شبکه‌های مجازی، توسط سرویس‌های اطلاعاتی جذب و به کارگیری شده بودند …

گروه سیاسی: سخنان اخیر رهبر انقلاب در واکنش به تهدیدهای دونالد ترامپ و تحرکات نظامی آمریکا در منطقه، از جمله اعزام ناوهای جنگی، بازتابی گسترده در رسانه‌های بین‌المللی داشت. این بازتاب صرفاً محدود به رسانه‌های منطقه نبود، بلکه در رسانه‌های جریان اصلی غرب نیز به عنوان نشانه‌ای از تغییر لحن یا دست‌کم تثبیت موضع بازدارنده تهران تحلیل شد. در این میان، رسانه آمریکایی واشنگتن تایمز با تمرکز بر بعد بازدارنده این بیانات، تأکید کرد پیام اصلی سخنان رهبر عالی ایران نه اعلام تصمیم برای ورود به جنگ، بلکه ارسال «پیام اقتدار» به واشنگتن است؛ پیامی که می‌خواهد نشان دهد تهران خود را در موضع انفعال نمی‌بیند و حتی در برابر آنچه آمریکا «قوی‌ترین ارتش جهان» می‌خواند، بر توان پاسخگویی تکیه دارد. در تحلیل این رسانه آمده است تهران با برجسته‌سازی توان موشکی و دریایی خود بویژه در آب‌های بسته و استراتژیک می‌کوشد این گزاره را القا کند که حتی پیشرفته‌ترین تجهیزات نظامی آمریکا نیز از تهدید مصون نیستند و هرگونه اقدام نظامی، بدون هزینه نخواهد بود.

از این زاویه، بیان حضرت آیت‌الله خامنه‌ای درباره «غرق شدن ناو آمریکایی» را باید در چارچوب راهبرد بازدارندگی فعال فهمید؛ راهبردی که هدف آن افزایش هزینه ذهنی و عملی هرگونه ماجراجویی نظامی علیه ایران است. همچنین باید به این نکته توجه داشت که این بیان، صرفاً تهدیدی لفظی یا نمادین نیست، بلکه به مجموعه‌ای از توانمندی‌های واقعی و آزموده‌شده ایران در محیط عملیاتی خاص خلیج فارس تکیه دارد. محیطی که به واسطه عرض محدود آب‌راه، تراکم بالای ترافیک دریایی و نزدیکی جغرافیایی سواحل، امکان بهره‌گیری از تاکتیک‌های کم‌هزینه اما پریسک برای طرف مقابل را فراهم می‌کند.

راهبرد دریایی ایران در خلیج فارس بر پایه «جنگ نامتقارن» بنا شده است؛ یعنی پرهیز از رقابت کلاسیک ناو به ناو با نیروی دریایی ایالات متحده و حرکت به سوی ترکیبی از ابزارهای سبک، چابک و پرتعداد. در این چارچوب، استفاده از انبوهی از قایق‌های تندرو و موشک‌انداز، شناورهای کوچک با قابلیت مانور بالا و بهره‌گیری از پهپادها و ششپاهای انتحاری در دستور کار قرار می‌گیرد. منطق این رویکرد آن است که به جای تمرکز بر برتری کبی، با برتری کمی، سرعت و پراکندگی، سامانه‌های دفاعی پیشرفته ناوهای آمریکایی تحت فشار همزمان قرار گیرند.

این استراتژی نامتقارن می‌تواند تهدیدی منحصr به فرد برای ناوهای بزرگ باشد، چرا که حتی پیشرفته‌ترین رادارها و سامانه‌های پدافندی نیز با چالش «اشیاع»

واشنگتن تایمز بیانات رهبر انقلاب درباره احتمال غرق شدن ناوهای آمریکایی را پیام اقتدار و بازدارنده به واشنگتن ارزیابی کرد

ماجرای شکست آمریکا از ایران در جنگ فرضی



و دفاعی ناوهای آمریکایی مجبور می‌شوند همزمان با اهداف بسیار زیادی در سطح آب و آسمان درگیر شوند. برای ملموس شدن این منطق، کافی است گزارش چندی پیش نشنال اینترست بررسی شود. نشنال اینترست درباره توانمندی ایران در دریا نکات قابل تأملی مطرح کرده است. در این گزارش نوشته شده فرض کنید ۱۰۰ قایق تندرو و ده‌ها پهپاد شاهد۱۳۶ به‌طور همزمان به یک ناو نزدیک شوند، حتی اگر سامانه‌های پدافندی ناو در بهترین سناریو ۹۰ درصد آنها را شناسایی و منهدم کنند، باز هم ۱۰ قایق باقیمانده یا پهپادهای انتحاری می‌توانند خسارات قابل توجهی وارد کنند. اساساً باید به این نکته توجه داشت که در جنگ دریایی مدرن، نفوذ اندک هم می‌تواند پیامدهای راهبردی بزرگی به همراه داشته باشد.

ایران منطق تهدید، صرفاً یک سناریوی نظری یا تبلیغاتی برای ایران نیست. تجربه‌های شبیه‌سازی‌شده

رویه‌رو می‌شوند. به عبارت دیگر، مساله نه ناوانوی تکنولوژیک، بلکه محدودیت ذاتی سامانه‌ها در مقابله همزمان با حجم بالایی از تهدیدهای کوچک و متحرک است.

هیچ تحلیلگر و کارشناس نظامی ادعا نمی‌کند قدرت دریایی ایران و آمریکا قابل قیاس با برابر است. ناوهای هواپیمابر و ناوشکن‌های آمریکا، بی‌تردید خطر بزرگی برای هر نیروی منطقه‌ای محسوب می‌شوند اما نکته‌ای که باید مورد توجه قرار گیرد این است که این برتری کلاسیک، در برابر تهدید منحصr به فرد جنگ نامتقارن ایران به طور کامل مصون نیست. ایران به جای ورود به مسابقه پرهزینه ساخت ناوهای سنگین، راهبرد «توازن از طریق اشباع» را برگزیده است: تمرکز بر حمله به ناوهای بزرگ با صدها سلاح کوچک و چابک، تا نابرابری ساختاری جبران شود.

پیامد عملی این راهبرد آن است که سامانه‌های ردیابی

درباره مانور مشترک ایران، روسیه و چین در آب‌های جنوب ایران

رزمایش یا هندسه جدید قدرت

ایفا کرده است.

در حوزه فضایی و اطلاعاتی نیز همکاری تهران و مسکو وارد فاز جدیدی شده. برتاب ماهواره‌های مشترک و دسترسی ایران به داده‌های ماهواره‌ای دقیق‌تر، توان رصد تحرکات نظامی آمریکا و متحدانش را به‌طور معناداری افزایش داده. این- به آن معناست که در صورت هرگونه تشدید تنش، ایران دیگر با «مه جنگ اطلاعاتی» مواجه نخواهد بود، بلکه از تصویری شفاف‌تر از میدان نبرد برخوردار است. چین نیز، به‌عنوان ضلع دیگر این اتحاد، تمرکز خود را بر حوزه دریایی و اطلاعات سیگنالی گذاشته. حضور ناوشکن‌های پیشرفته چینی در این رزمایش، بویژه شناورهایی که به سامانه‌های راداری آرایه‌فازی و پلتفرم‌های جمع‌آوری داده‌های الکترونیک مجهز، نشان‌دهنده انتقال یک ظرفیت راهبردی به منطقه است. اتصال این سامانه‌ها به شبکه ماهواره‌ای چین، امکان پایش مستمر تحرکات ناوگان آمریکا را فراهم کرده و عنصر غافلگیری را که سال‌ها برگ برنده واشنگتن بود، به‌شدت تضعیف کرده است.

■ **معماری جدید امنیتی: تغییر قواعد تقابل با آمریکا**
اهمیت این رزمایش زمانی دوچندان می‌شود که آن را در چارچوب تقابل احتمالی ایران و آمریکا تحلیل کنیم. در گذشته، برتری آمریکا در حوزه دریایی مبتنی بر ۳ مؤلفه بود: برتری اطلاعاتی، آزادی عمل عملیاتی و توان اعمال ضربه سریع. امروز، هر ۳ مؤلفه با چالش جدی مواجه شده‌اند.

همکاری اطلاعاتی ایران با روسیه و چین، بویژه در حوزه رصد ماهواره‌ای و شنود الکترونیک، موجب شده تحرکات ناوهای آمریکایی پیش از آنکه به مرحله اقدام برسند، قابل شناسایی و تحلیل باشد. این موضوع، زمان واکنش ایران را کاهش داده و هزینه هرگونه حمله پیش‌دستانه را برای واشنگتن بالا می‌برد. از سوی دیگر،

جنگ واقعی در ذهن‌هاست

کرد. این اقدام سپاه نیز همزمان با برگزاری مذاکرات ژنو انجام شد. بنابراین در برابر تهدیدات طرف آمریکایی، ایران هم در سطوح سیاسی و نظامی، در حال تهدید کردن طرف آمریکایی است. بنابراین کاملاً مشخص است طرفین تلاش می‌کنند در جنگ شناختی و روانی فعلی، طرف مقابل را متغفل کنند.

۶- یکی از الزامات راهبردی ایران در شرایط فعلی، تمرکز بر تردیده‌ای ترامپ و تشدید آن است. رفتار ترامپ در ۲ ماه گذشته نشان داده تردیده‌ای بسیار جدی درباره حمله نظامی و تبعات آن برای آمریکا و جایگاه سیاسی خود دارد. تجربه شکست‌های نظامی و امنیتی در جریان جنگ ۱۲ روزه و حوادث امنیتی پس از آن نیز بر این تردید افزوده است. به همین خاطر، ایران اکنون کاملاً متوجه شده آن طرفی که نسبت به گزینه جنگ نگرانی بیشتری دارد، ترامپ است. قطعاً ترامپ تمایل دارد حمله نظامی را علیه ایران انجام دهد اما این را هم می‌داند که حمله نظامی به ایران، می‌تواند تبدیل به یک باتلاق بزرگ برای آمریکا و او شود. طی ماه‌های اخیر بسیاری از رسانه‌ها و کارشناسان آمریکایی به یکی از ترس‌های بزرگ ترامپ درباره حمله

نظامی خود آمریکا نیز آسیب‌پذیری ناوگان دریایی‌اش در برابر حملات نامتقارن و اشباع‌شونده را نشان داده است. مشهورترین نمونه، رزمایش سال ۲۰۰۲ ایالات متحده با عنوان «چالش هزاره» است. در این رزمایش، ژنرال پل ون ریپر که فرماندهی «تیم قرمز» (حریف، یعنی ایران) را بر عهده داشت، با به کارگیری تاکتیک‌های نامتعارف و حمله گروهی، از هماهنگ‌سازی دسته‌هایی از قایق‌های کوچک تا شلیک همزمان موشک‌های کروز بدون اتکا به ترافیک رادویی، توانست در عرض چند دقیقه ۱۶ کشتی جنگی بزرگ ناوگان فرضی آمریکا، از جمله یک ناو هواپیمابر را غرق کند. شدت این شکست شبیه‌سازی‌شده چنان بود که طراحان رزمایش ناچار شدند تمرین را متوقف کرده و ناوگان غرق‌شده را برای ادامه سناریو دوباره فعال کنند؛ اقدامی که خود به‌عنوان نشانه‌ای از دور از انتظار بودن نتایج برای برنامه‌ریزان نظامی آمریکا تعبیر شد. سال ۲۰۲۱، نشریه تحلیلی آمریکایی نشنال اینترست با مرور دوباره سناریوی «چالش هزاره» تأکید کرد در یک جنگ واقعی، هیچ‌کس نمی‌تواند قواعد را به دلخواه تغییر دهد تا برتری آمریکا حفظ شود. نشنال اینترست این موضوع را پیش کشید که اگر ایران بخواهد به طور واقعی و میدانی تاکتیک‌های بسیار مؤثر و بی‌رحمانه ون ریپر را به کار گیرد، میزان خسارت می‌تواند حتی فراتر از آن چیزی باشد که در نسخه دستکاری‌شده و محدودشده رزمایش چالش هزاره دیده شد. هشدار نشنال اینترست در واقع یادآور همان منطق بازدارندگی ایران در خلیج فارس است؛ اینکه هزینه‌های بالقوه جنگ دریایی برای طرف مقابل می‌تواند بسیار سنگین و غیرقابل پیش‌بینی باشد.

با توجه به همه اینها، آنچه در بیانات حضرت آیت‌الله خامنه‌ای درباره آسیب‌پذیری ناوهای آمریکایی برجسته شد، نه یک تهدید لفظی صرف، بلکه تکیه بر منطقی عملیاتی و قابل اجرا در دکت‌رین جنگ نامتقارن دریایی ایران است. بازتاب هشدار رهبر انقلاب به آمریکایی‌ها، در رسانه‌های بین‌المللی، بویژه رسانه‌های آمریکایی نیز نشان می‌دهد حتی در فضای رسانه‌ای ایالات متحده، این واقعیت پذیرفته شده است که برتری تکنولوژیک ناوگان‌های بزرگ، در برابر حملات اشباع‌شونده، مطلق نیست. به همین دلیل، بی‌جهت نیست اگر بگوئیم در این چارچوب، پیام تهران، بیش از آنکه اعلام جنگ باشد، یادآوری هزینه‌های بالقوه حمله برای طرف مقابل است؛ هزینه‌هایی که بنا به اذعان کارشناسان و تحلیلگران غربی، در محافل تصمیم‌گیری ایالات متحده هیچ ارزیابی و چشم‌اندازی برای آن وجود ندارد. به علاوه اینکه تهران به صراحت هشدار داده هر اقدام نظامی علیه ایران، منجر به جنگ منطقه‌ای خواهد شد.

حضور تجهیزات پیشرفته روسی و چینی در کنار توان بومی ایران، به ایجاد یک بازدارندگی چندلایه منجر شده؛ بازدارندگی‌ای که صرفاً نظامی نیست، بلکه سیاسی و راهبردی نیز هست.

آمریکا اکنون می‌داند هرگونه درگیری با ایران، به احتمال زیاد به یک مواجهه محدود دوجانبه ختم نخواهد شد، بلکه می‌تواند پای بازیگران بزرگ‌تری را به میدان بکشد یا دست‌کم معادلات آنها را در سایر نقاط جهان تحت تأثیر قرار دهد.

در این چارچوب، رزمایش مرکب دریایی را باید تمرینی برای مدیریت مشترک بحران دانست؛ تمرینی که نشان می‌دهد ایران، روسیه و چین قادرند در صورت لزوم، هماهنگی عملیاتی خود را از سطح رزمایش به سطح واقعی ارتقا دهند. این پیام، بویژه برای متحدان منطقه‌ای آمریکا نیز حائز اهمیت است، چراکه نشان می‌دهد تکیه صرف بر چتر امنیتی واشنگتن، دیگر ضامن‌کننده امنیت نیست.

■ **پایان انحصار، آغاز توازن**

آنچه امروز در آب‌های خلیج‌فارس و تنگه هرمز در جریان است، صرفاً یک نمایش قدرت نیست، بلکه اعلام رسمی ورود به مرحله‌ای جدید از نظم امنیتی منطقه‌ای و جهانی است. ایران، روسیه و چین با اتکا به توان میدانی، هم‌افزایی فناوریانه و پشتیبانی سیاسی متقابل، در حال شکل‌دهی به الگویی هستند که در آن امنیت از مسیر توازن و همکاری حاصل می‌شود، نه تهدید و سلطه. این رزمایش نشان داد نظم آمریکامحور، تنها از نظر مشروعیت، بلکه از نظر کارآمدی نیز با چالش جدی مواجه شده. در مقابل، نظم چندقطبی در حال ظهور، دیگر یک مفهوم انتزاعی نیست، بلکه واقعیتی است که در میدان، در دریا و در معادلات راهبردی، خود را به نمایش گذاشته است.

نظامی به ایران اشاره کردند. به اعتقاد آنها ترامپ از تکرار تجربه عراق در ماجرای حمله به ایران بشدت واهمه دارد. این را حتی جی‌دی ونس نیز تایید کرد. یکی از مواردی که ترامپ از سال ۲۰۱۵ همواره درباره آن موضع انتقادآمیزی داشته، حمله جورج بوش به عراق بود. ترامپ مدعی است این حمله که ۷ تریلیون دلار برای آمریکا هزینه در بر داشت و هزاران سرباز آمریکایی را به کام مرگ کشاند، یک اشتباه بزرگ در سیاست خارجی آمریکا بود. بنابراین ترامپ با چنین دیدگاهی، قاعدتا می‌داند حمله به ایران، تبعات و هزینه‌های به مراتب بیشتری نسبت به حمله به عراق دارد. بنابراین می‌توان گفت محور تردیده‌ای ترامپ برای حمله نظامی به ایران، نگرانی‌های او از تبعات درگیری نظامی با ایران است. کما اینکه پنتاگون و سیا با استناد به تحرکات ایران، تایید کرده‌اند تهدید ایران مبنی بر آغاز جنگ منطقه‌ای در صورت حمله آمریکا به ایران، کاملاً معتبر است. بنابراین این تردیدها نشان می‌دهد مهم‌ترین راهبرد ایران در جنگ شناختی با آمریکا، ملموس‌تر کردن هزینه‌های ترامپ در صورت حمله به ایران است.